

کتابنامه تحلیلی هدایت

ویژه:

هادیان و مسئولان سیاسی

«نسبت خروج آمریکا از برجام؛ از علل و چرایی
تا پیامدها، سناریوها و راهبردهای پیش رو»



معاونت سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

کتابنامه الکترونیکی هدایت

۱۱

«خروج آمریکا از برجام؛

از علل و چرایی تا پیامدها و سناریوها و راهبردهای پیش رو»

آنچه در این تحلیـل می خوانید:

بخش اول:

نگاه نظری به چرایی خروج آمریکا از برجام؟

سطوح دلایل خروج آمریکا از برجام

الف) دلایل شخصی

ب) دلایل ساختاری

ج) دلایل منطقه ای

آثار، پیامدها و سناریوها

الف) سیاسی - امنیتی

ب) اقتصادی - تجاری

نتیجه گیری بخش اول

بخش دوم:

راهبردهای جمهوری اسلامی ایران

بخش اول:

مقدمه

دونالد ترامپ ۴ روز زودتر از آنچه وعده داده بود سه‌شنبه شب ۱۸ اردیبهشت، طی یک نطق تلویزیونی، خروج آمریکا از برجام را رسماً اعلام کرد. او همچنین در مقابل دوربین رسانه‌ها، فرمان اعمال تحریم‌ها علیه ایران را صادر کرد. بر مبنای سخنان ترامپ و دستورالعمل وزارت خزانه داری آمریکا که منتشر شد، تحریم‌ها علیه ایران، ۹۰ و ۱۸۰ روز بعد دوباره باز خواهند گشت؛ تحریم‌های نفتی و ارزی و فروش هواپیما. مشاور امنیت ملی آمریکا گفته که در فرصت باقی مانده تا شروع دوباره تحریم‌ها، شرکت‌های خارجی فرصتی مناسب دارند تا به روابطشان با ایران پایان دهند. ایران و اروپا اعلام کرده اند در برجام می‌مانند.

رئیس‌جمهور آمریکا که در تبلیغات انتخاباتی خود وعده پاره کردن توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ را داده بود، از اکتبر ۲۰۱۷ (مهرماه) به صورت رسمی اعلام کرد مفاد توافق هسته‌ای را قبول ندارد و شروطی را برای ماندن آمریکا در توافق هسته‌ای اعلام کرد. ترامپ این شروط را در ۱۲ ژانویه (دی‌ماه) سال جاری میلادی به صورت شفاف‌تر بیان کرد. مادام‌العمر شدن محدودیت‌های هسته‌ای ایران، محدود شدن توان دفاع موشکی ایران و تغییر سیاست‌های ایران در منطقه غرب آسیا، ۳ شرط رئیس‌جمهور آمریکا برای عدم خروج از برجام و تمدید تعلیق تحریم‌های ایران بود. حسن روحانی نیز بلافاصله پس از نطق ترامپ اظهارنظر کرد اما در کمال حیرت او تنها به این بسنده کرد که دولت او توافق هسته‌ای را بدون آمریکا و با ۵ عضو دیگر ادامه می‌دهد.

نگاه نظری به چرایی خروج آمریکا از برجام؟

رئیس‌جمهور آمریکا، برجام را بدترین توافق آمریکا در طول تاریخ می‌خواند، اما به واقع چرا این چنین است؟ مگر نه اینکه خروجی برجام تحت نظارت قرار گرفتن برنامه هسته‌ای ایران توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. آژانس پس از به امضا رسیدن برنامه جامع اقدام مشترک نزدیک به ۲۰۰۰ سانتریفیوژ پیشرفته ایران را که برای برپایی آن سال‌ها زحمت شبانه‌روزی کشیده شده بود، مهر و موم کرد. بیشتر از ۱۹۰ بار تأسیسات هسته‌ای ایران را مورد بازرسی قرار داد. صدها تصویر از دوربین‌های نصب شده در مراکز هسته‌ای ایران را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و در نهایت بیشتر از یک میلیون صفحه اطلاعات را جمع‌آوری کرد. اما چرا با این پیشرفت ترامپ برجام را بدترین معامله در طول تاریخ آمریکا می‌داند! پاسخ کاملاً روشن است. دیپلماسی چماق و هویج اوباما از نگاه ترامپ ناکارآمد بوده است. برداشت ترامپ این است که صرف نظر از دکترین ملی گرای، اگر اوباما به راهبرد چماق منهای هویج قائل بود، می‌توانست امتیازات بیشتری در فاز بده بستان به دست آورد و امتیازات کمتری را هم واگذار کند. از نظر ترامپ او نه تنها چنین امتیازاتی را به دست نیاورد بلکه در عوض با آزاد کردن پول‌های بلوکه شده ایران و ایجاد فرصت به تهران برای احیاء اقتصادش اسباب لازم را در اختیار جمهوری اسلامی قرار داد تا بازگشت مقتدرانه‌ای به ترتیبات منطقه‌ای داشته باشد. اما چنین بازگشتی در مرحله اول نه عایدی برای منافع ملی و اقتصاد آمریکا داشته است و در مرحله دوم نه سودی برای متحدان مصمم واشنگتن در غرب آسیا.

از نگاه ترامپ، سعودی و اسرائیل تاکنون اقتصاد آمریکا را غرق در پول کرده اند و به همین دلیل شایسته حمایت هستند، البته نه آن چنان حمایتی که همین اندوخته‌های مالی را از کف آمریکا برباید. علاوه بر این نقش منطقه‌ای ایران و ضرورت حمایت از متحدان باعث شده است که آمریکا نتواند از میزان مخارج و هزینه‌های خود در خاورمیانه اندکی بکاهد. تحت همین چارچوب فکری است که ترامپ از معامله‌ای با تهران حمایت می‌کند که همه این ملاحظات را در بر گرفته باشد؛ لذا مرحله‌ای کردن حل چالش میان تهران و واشنگتن فاقد مطلوبیت‌های راهبردی و اقتصادی برای ترامپ است. به همین دلیل رئیس‌جمهور آمریکا جهت نیل به ایده‌آل‌های خود بر رابطه با تهران نقطه پایان گذاشته است تا از سر خط سیاست و راهبردش را بنویسد و محقق کند.

پس برجام خود به اهرم و ابزار تهدید و فشار تبدیل شد.

اینکه آمریکا با حفظ وضع موجود دیگر در برجام نماند و از آن خارج شد، حکم فریاد زدن ترامپ را پیدا کرد؛ همه به نوعی به تکاپو افتاده بودند از اروپا تا روسیه و چین تا ایالات متحده در برجام نگه داشته شود. همراهی اروپا با واشنگتن تا به امروز در نفی نقش منطقه ای و برنامه موشکی ایران حکایت از این مساله دارد که این سروصدای ترامپ تا حدی جواب داده است. در پشت پرده تلاش های دیپلماتیک و فشرده ای از اروپا در جریان بوده است که ترامپ ترغیب به ماندن شود.

اما مساله مهم این است که ترامپ در ۱۶ ماه گذشته بارها و بارها از عزم خود برای خروج از برجام سخن گفته بود و هر بار به نوعی زمان تحقق این تهدید را به تعویق می انداخت و در نهایت نیز همچنان که گفته بود از آن خارج شد. بخشی از این تعویق ها از سوی ترامپ عامدانه بود و بخشی دیگر نیز از سوی مشاورانی کلید خورد که با خروج آمریکا از برجام مخالف بودند. اما ترامپ با تغییرات در کابینه خود درجه و سطح این تهدید به خروج را افزایش داد و به همان میزان توانست بر دستورکارهای سیاسی و دیپلماتیک اروپا در مواجهه با ایران تاثیر بگذارد. امروز تقریباً در غرب کمتر صدایی در تأیید نقش منطقه ای یا برنامه موشکی ایران که ماهیتی کاملاً مسالمت آمیز و صلح ساز دارد شنیده می شود حتی همه بر سر این مساله اجماع پیدا کرده اند که برجام قرارداد کاملی نیست و باید تکمیل شود اگرچه آلمان و فرانسه همچنان بر کارآمدی توافق هسته ای پافشاری می کنند. (بهترین توافق نیست ولی قابل دسترس ترین توافق در سال ۲۰۱۵ بود).

اما با وجود همه این پیشرفت ها چون هیچ نشانه ای از مصالحه از سوی تهران دیده نشد و وضعیت به منوالی که ترامپ می خواست پیش نرفت، از آن خارج شد و دستور بازگشت تمام تحریم های تعلیق شده و حتی تحریم هایی بیشتر از آن را صادر کرد.

سطوح دلایل خروج آمریکا از برجام

خروج دولت آمریکا از برجام، اما در سه سطح نیز قابل تحلیل و بررسی است. واکاوی این سه سطح از دلایل می تواند عمق بیشتری به آگاهی مخاطب و خواننده از رفتار برجانی ترامپ بدهد. تبادل و تعامل متغیرهای این سه سطح از دلایل، نشان می دهد که خروج آمریکا از برجام، نقطه عزیمت یک فرایند چندوجهی برای ایران خواهد بود. این سطوح عبارتند از: الف) سطح شخصی؛ ب) سطح ساختاری؛ ج) سطح منطقه ای.

الف) دلایل شخصی

به سطح تحلیل اول یعنی دلایل شخصی که بیانگر انگیزه های شخصی و سرچشمه های درونی و فردی ترامپ در خروج از برجام است، باید با دقت بالایی توجه کرد؛ چرا که متغیرهای این سطح را می توان مهم ترین عامل در رفتار سخت برجانی ترامپ دانست. استراتژی فردی رئیس جمهور آمریکا تا پایان دوره ریاست جمهوری دو مؤلفه اصلی خواهد داشت؛ اول تطویل و تأخیر موضوع ارتباط با روسیه و به سرانجام نرسیدن آن تا انتخابات سال ۲۰۲۰ به شکلی که حضور او در انتخابات بعدی به چالش کشیده نشود و دوم، تحقق همه وعده های انتخاباتی از جمله خروج از برجام، برای حضور کامل و بدون چالش ترامپ در انتخابات سال ۲۰۲۰.

اگر فضای ادراکی و روان شناختی ترامپ را بررسی کنیم و شخصیت لجوج و سرکش او را با تهدیداتی که متوجه شخص اوست کنار هم بگذاریم، باید انتظار رفتارهای «اولترا رادیکال» را از ترامپ داشته باشیم؛ به شکلی که تهدیدات معطوف به شخص او، تحت تأثیر موضوعات دیگر داخلی و خارجی قرار گیرد. در این راستا، «برجسب همکاری با روسیه»، آن هم در مهم ترین

موضوع سیاست داخلی آمریکا که انتخابات ریاست جمهوری است، آن قدر مشمئزکننده برای مردم آمریکا و آن قدر تهدیدکننده برای شخص ترامپ است که او برای خلاصی از این برچسب، تحقیقاً به هر کاری در هر سطحی دست خواهد زد. بنابراین او برای آنکه موضوع اثبات ارتباط احتمالی خود یا تیمش با روس‌ها پیش نرود، از هر اقدامی که این فرایند تهدیدساز را متوقف یا کند، استقبال خواهد کرد. بنابراین اولین عامل سطح تحلیل دلایل رفتار شخصی ترامپ در خروج از برجام، تخفیف، تلطیف یا تأخیر مشکل ارتباط با روسیه است.

دومین دلیل شخصی ترامپ در خروج سخت از برجام، قول‌های انتخاباتی اوست. یکی از دلایل کامیابی غیرمنتظره ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶، قول‌های جذاب او به ملت آمریکا بود. او به ملت این کشور قول داد آمریکا شکوه و عظمت خود را باز خواهد یافت. او در مدت زمان ریاست جمهوری خود بیشتر قول‌های انتخاباتی خود را عملی کرده است. در این چارچوب، او از پیمان همکاری ترانس پاسفیک (TTP) و از پیمان تغییرات آب‌وهوایی پاریس خارج شده، نرخ مالیات‌ها را کاهش داده، بیمه درمانی «اوباماکر» را لغو کرده، ورود غیرقانونی مهاجران به آمریکا را محدود کرده، بیت‌المقدس را به‌عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت شناخته، از پیمان نفتا (NAFTA) خارج شده، بودجه ارتش آمریکا را افزایش داده، شاخص سهام داو جونز را بالا برده و نرخ بیکاری را به زیر پنج درصد کاهش داده است، همچنین طرح‌های احیای استخراج زغال‌سنگ را عملیاتی کرده، بودجه سازمان ملل را کاهش داده، آمریکا را از سازمان یونسکو خارج کرده و ساخت دیوار سه‌هزارکیلومتری مرزهای مکزیک با وضع عوارض بر کالاهای مکزیکی را کلید زده است تا پول آن را از مکزیک بگیرد.

در این میان، آنچه او قول داده و عمل نکرده بود، خروج از برجام به‌عنوان «بدترین معاهده تاریخ آمریکا» به گمان وی بود که از آن هم خارج شد. داماد ترامپ لحظاتی پس از اعلام خروج آمریکا از برجام گفت ما به یکی دیگر از قول‌های انتخاباتی خود عمل کردیم.

(ب) دلایل ساختاری

در سطح تحلیل دوم از دلایل خروج آمریکا از برجام؛ یعنی سطح تحلیل ساختاری که مرتبط با ساختار نظام تصمیم‌گیری سیاست خارجی آمریکاست، باید گفت همه چیز از شکل‌گیری یک مجموعه ضدایرانی رادیکال، هم در تیم ریاست جمهوری ترامپ و هم در کنگره آمریکا، حکایت دارد. ضمن آنکه لابی صهیونیستی با تکیه بر ارتباطات بالای خود و لابی آل‌سعود با تکیه بر قدرت مالی خود، آتش‌بیار معرکه تندروهای آمریکا شده‌اند.

از ترکیب چهره‌های ضدایرانی جان بولتن و مارک پمپئو، به همراه ترامپ در قوه مجریه و کنگره ضدایرانی آمریکا و لابی یهود و لابی آل‌سعود، در ساده‌ترین حالت «لغو برجام» خارج می‌شود و باید انتظار رفتارهای خصومت‌آمیز بیشتر را داشت. اگر بخواهیم به میزان و شدت و حدت تعارض کنگره آمریکا درباره ایران اشاره کنیم، باید به رأی کنگره آمریکا درباره تحریم‌های جدید علیه ایران به دلیل نقض حقوق بشر؛ با ۴۱۰ رأی موافق و فقط دو رأی مخالف در مجلس نمایندگان آمریکا اشاره کرد.

بنابراین در سطح ساختار نظام تصمیم‌گیری آمریکا شامل ریاست جمهوری، کنگره و لابی‌های ضدایرانی همه چیز برای تقابل با ایران آماده شده است و کمترین خروجی چنین ساختار تهدیدکننده‌ای، خروج سخت از برجام بوده است و باید درباره سطوح و حدود دیگر این تعارض هوشیار بود.

(ج) دلایل منطقه‌ای

برای سومین سطح از دلایل خروج سخت ترامپ از برجام باید به سطح تحلیل دلایل منطقه‌ای یعنی منطقه غرب آسیا اشاره

کرد. ظهور ترامپ رادیکال با حضور گروه بسیار ضدایرانی و تندرو نتانیاهو در اسرائیل که در دوران اوباما تضعیف شده بود، همراه شد. دولت افراطی نتانیاهو، ترامپ را فرصتی تکرارنشدنی برای اهداف خود می‌بیند و آن را از دست نخواهد داد.

در کنار ترامپ و نتانیاهو، ضدایرانی‌ترین هیئت حاکمه، در عربستان بر سر کار آمده که خسته و زخمی از شکست‌های پی‌درپی در منطقه به رهبری ولیعهد جاه‌طلب عربستان به صورت فعالانه با انجام اقدامات ضدایرانی در سطح منطقه و جهان با آمریکا و اسرائیل همکاری پنهان و پیدا برقرار کرده‌اند. تنها ثانیه‌هایی پس از پایان سخنرانی خروج از برجام ترامپ، نتانیاهو بر صفحه تلویزیون ظاهر شد و خوشحالی خود را بیان کرد و تنها ساعتی پس از سخنرانی ترامپ، وزارت خارجه عربستان نیز از اقدام ترامپ استقبال کرد و امارات و بحرین نیز آن را ستودند.

بنابراین دلایل منطقه‌ای مقتضی برای ترامپ در منطقه وجود دارد تا خروج از برجام برای او امیدوارکننده باشد. اما به هر اندازه که هریک از دلایل بالا را در خروج سخت آمریکا از برجام مؤثر بدانیم، باید پس از این به فضای جدید حاصل از این اقدام آمریکا نگاه هوشمندانه‌تری داشته باشیم. رفتار یک رئیس‌جمهور خودرأی و مشکل‌دار به همراه ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی آمریکا که با لابی‌های ضدایرانی، بیشتر تحریک شده و همراهی افراطیان ضدایرانی در اسرائیل و عربستان، الزام کش بهینه و هوشمندانه برای جمهوری اسلامی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی را حتمی می‌کند.

آثار، پیامدها و سناریوها

آثار و پیامدها و همچنین سناریوهای پیش روی خروج آمریکا از برجام، موضوعی است که عمدتاً در دو حوزه سیاسی و اقتصادی خود را نشان می‌دهد. مطالبی که در ادامه در دو حوزه مذکور آورده می‌شود، بیشتر مبتنی بر دیدگاه‌های واقع‌گرایانه و تحلیل‌هایی است که توسط اندیشمندان، اساتید دانشگاه و تحلیل‌گران شناخته شده و برجسته آمریکایی و اروپایی بیان و منتشر شده است.

الف) سیاسی - امنیتی

در خصوص آثار و نتایج خروج آمریکا از برجام در عرصه‌های سیاسی و امنیتی تحلیلی که توسط برخی نظریه پردازان و تحلیل‌گران آمریکایی از جمله "استفان والت" از تحلیل‌گران برجسته و بنام روابط بین‌الملل و استاد دانشگاه هاروارد در روزهای اخیر ارائه شده، می‌گوید؛ هدف آمریکا برای خروج از برجام، قرار دادن ایران در حلقه محاصره برای ممانعت از برقراری روابط عادی با جهان خارج است. بیم اصلی ایالات متحده و متحدان خاورمیانه‌ای آن این بود که آن‌ها باید ایران را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای بشناسند و نفوذ آن را در منطقه می‌پذیرفتند. در مرکز این هدف، نوای تغییر نظام در ایران از سوی بسیاری از مخالفان و معاندان ایران در آمریکا به گوش می‌رسد. در واقع مخالفان حکومت ایران دو مسیر ممکن را برای تغییر رژیم می‌بینند؛ رویکرد اول به افزایش فشار اقتصادی بر تهران متکی است به این امید که نارضایتی مردم افزایش یابد و جمهوری اسلامی سقوط کند. گزینه دوم تحریم ایران و تحریک ایران برای راه اندازی دوباره تأسیسات هسته‌ای است تا واشنگتن بهانه‌ای برای راه‌اندازی یک جنگ پیدا کند.

اعتقاد بر اینکه تحریم‌های شدیدتر باعث فروپاشی حکومت ایران خواهد شد، خیالی بیش نیست. تحریم‌های ایالات متحده در مورد کوبا بیش از ۵۰ سال ادامه داشت و میراث کاسترو همچنان سر جایش است. در سوی دیگر، بیش از شصت سال تحریم‌ها روزافزون علیه کره شمالی، این کشور را از دستیابی به سلاح هسته‌ای باز نداشت. به بیان ساده تر تجربه کوبا، کره شمالی، لیبی و عراق نشان داده که تحریم‌های اقتصادی الزاماً کارا نیستند و حتی می‌توانند به تحکیم نظام سیاسی موجود بیانجامند. سال‌ها است که سیگنال‌هایی به آمریکا ارسال می‌شود که ایران در آستانه فروپاشی است و هنوز نظام جمهوری اسلامی پابرجاست. چند

ماه پیش، هنگامی که اغتشاشات در چندین شهر ایران رخ داد، بسیاری در آمریکا هیجان زده شده و بر این باور بودند که دیگر زمان خداحافظی حکومت ایران فرا رسیده است. اما باز هم رویداد خاصی اتفاق نیفتاد. گاهی اوقات فشار اقتصادی ممکن است آن‌ها را به پای میز مذاکره بیاورد و حتی به تغییر سیاست‌ها کمک کند، اما خروج از برجام نمی‌تواند ایران را به زانو در آورد. در مورد گزینه دوم یعنی جنگ، امید تندروها در ایالات متحده بر این است که فشار زیاد به ایران می‌تواند زمینه را برای ایجاد شوک و هرج و مرج و در نهایت بالا رفتن احتمال سرنگونی حکومت فراهم کند. اما این سناریو هم خنده دار است. اگر آمریکا ایران را بمباران کند، به طور قطع نه تنها ایرانیان از واشنگتن قدردانی نخواهند کرد بلکه حتی قدرتمندتر از همیشه، به حمایت از حکومت و کشور خود برخوانند خاست.

ب) اقتصادی – تجاری

تاکنون در خصوص آثار و پیامدهای ناشی از خروج برجام در عرصه های اقتصادی و تجاری، مطالب متعددی منتشر شده است. تحلیل غالبی که در این خصوص وجود دارد و عمدتاً بر روی تحریم‌ها متمرکز است در پاسخ به این سؤال که آیا اروپایی‌ها می‌توانند برجام را حفظ کنند می‌گوید؛ اولاً، این دولت‌های اروپایی نیستند که قرار است با ایران وارد داد و ستد و سرمایه‌گذاری و غیره شوند. این بخش خصوصی است که باید تمایل به کار با ایران را داشته باشد. باید دید در نظام‌های مبتنی بر بازار آزاد دولت‌ها چگونه می‌توانند بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ را متقاعد کنند که با ایران وارد روابط اقتصادی با دوام شوند در حالی که جریمه‌های سنگین آمریکا مانند شمشیر داموکلس بالای سر آن‌ها در حال نوسان است. دو سال است که تحریم‌ها برداشته شده اما هنوز دولت‌های اروپایی نتوانسته‌اند بانک‌های بزرگ را راضی به کار با ایران کنند چه رسد به اینکه از روز ۴ نوامبر (آبان‌ماه ۹۷) تحریم‌های هسته‌ای هم فعال شوند.

ثانیاً، کافی است آمریکا یک شرکت و یا بانک را جریمه سنگین کند، بقیه همگی عقب خواهند نشست. سال ۲۰۱۲ بانک استاندارد چارتر به دلیل معامله با ایران نزدیک به ۶۷۰ میلیون دلار جریمه شد. از آن تاریخ وضعیت کار با ایران هرگز عادی نشد.

* همچنین دو نظریه ممکن است در این ارتباط مطرح شود:

اول، شکاف ایجاد شده بین اروپا و آمریکا بر سر موضوع خروج آمریکا از این معاهده بین‌المللی، به نظر برخی از متخصصین، بزرگ‌ترین شکاف را از دوران پایان جنگ سرد، بین اروپا و آمریکا ایجاد کرده است. از این‌رو گروهی از ناظران معتقدند که اروپا زیر بار قانون شکنی ترامپ نخواهد رفت و در صورتی که آمریکا شرکت‌های اروپایی را به دلیل کار با ایران مجازات کند اروپا متقابلاً واکنش نشان داده و به عبارت دیگر با آمریکا وارد منازعات و جنگ تجاری خواهد شد. این ادعا، ادعای کوچکی نیست. معنای این حرف دهان باز کردن شکافی عظیم از دل دنیای سرمایه‌داری است که در صورت تشدید می‌تواند پایه‌های سیستم مسلط بر اقتصاد و سیاست جهان را به لرزه در آورد. لذا تصور اینکه اروپا وارد جنگ تجاری با آمریکا بر سر ایران شود (هر چند که به هیچ وجه از حرکت ترامپ خشنود نیست) واقع‌گرایانه به نظر نمی‌رسد.

نظریه دیگر این است که اروپایی‌ها ممکن است ظرف شش ماه آینده که فرصت دارند، بتوانند آمریکا را قانع کنند تا از اجرای مجازات‌های اقتصادی علیه شرکت‌هایی که با ایران کار می‌کنند خودداری کند. دو ایراد به این نظریه وارد است. اولاً، بعید است ترامپ حاضر شود این موضوع را در برابر دید عموم اعلام کند که در این صورت قضیه بازگرداندن تحریم‌ها بلاموضوع خواهد شد. از این‌رو، باز هم کمپانی‌های غربی و حتی شرقی حاضر به معامله با ایران نخواهند شد از ترس اینکه مبادا مورد مجازات آمریکا قرار گیرند. ثانیاً، ایراد دیگری که این قضیه دارد (که زمان اوپاما هم بانک‌های اروپایی همین ایراد را با اوپاما و دولتش مطرح می‌کردند و از کار با ایران خودداری می‌کردند) این است که حتی اگر دولت ترامپ قبول کند که از طریق وزارت

خزانه‌داری خود، شرکت‌های اروپائی را جریمه نکند، نمی‌تواند چنین تضمینی را از سوی "دادگستری آمریکا" بدهد. به عبارت دیگر دادگستری آمریکا مستقل از دولت می‌تواند طبق قانون، شخصیت‌های حقیقی و حقوقی را که با ایران معامله می‌کنند جریمه کند.

در جمع بندی نهایی، تضمین از سوی اروپا برای حفظ برجام غیرعملی و غیرواقع‌بینانه به نظر می‌رسد.

در این صورت ایران چه خواهد کرد؟ مهمترین مسئله برای ایران فروش نفت است. ایران قبل از برجام ۱.۱ میلیون بشکه در روز صادرات داشت در حالی که در اردیبهشت امسال، یعنی ظرف دو سال صادراتش به ۲.۶ میلیون بشکه در روز رسیده است. به قدری نقش ایران در بازارهای بین‌المللی تعیین‌کننده است که بر اثر حرکت ترامپ و پیش‌بینی کاهش صادرات نفت ایران، قیمت نفت به بالاترین حد خود ظرف ۳ سال و نیم گذشته (۷۷ دلار در هر بشکه) رسیده است. نهایتاً، ایران تا روزی که بتواند نفت بفروشد در برجام باقی خواهد ماند. روزی که صادراتش کاهش قابل ملاحظه‌ای پیدا کند، ماندن در برجام دیگر معنایی نخواهد داشت.

نتیجه گیری

آمریکا از برجام خارج شد و اتحادیه اروپا اعلام کرد که به تعهدات خود عمل خواهد کرد، اما به نظر می‌رسد موضع دولت ایران و شخص رئیس‌جمهور، اگر واقع‌بینانه بنگریم بعید به نظر می‌رسد تأمین‌کننده منافع ملی باشد. مفهوم ترکیب موضع آمریکا و اروپا این است که جمهوری اسلامی در معامله‌ای که کرد بخشی از امتیازهایی را که در مذاکرات گرفت به صورت رسمی از دست داد و البته اگر اروپایی‌ها هم به حرف خود عمل کنند، ایران بخشی از امتیازهای گرفته شده را همچنان خواهیم داشت. سؤال این است که موضع منطقی ایران در قبال این شرایط چه باید باشد که منافع ملی را تضمین کند.

در پاسخ به این سؤال باید ابتدا به این نکته توجه کرد که با شرایطی که بر منافع محوری بنگاه‌های اقتصادی حاکم است، تضمینی وجود ندارد که شرکت‌های اروپایی متناسب با نظرات سیاستمداران خود (به فرض صداقت در بیان) در برابر فشارهای وزارت خزانه‌داری آمریکا مقاومت کنند، بنابراین آن چه در ادامه ذکر می‌شود بر این فرض استوار است که ایران به صورت روشنی از اجرایی شدن ادامه لغو تحریم‌های مربوط به اتحادیه اروپا اطمینان پیدا کند.

بعد از خروج آمریکا از برجام، درست است که ماندن در برجام ممکن است منطق اقتصادی و هسته‌ای داشته باشد اما حتماً منطق دیپلماتیک نخواهد داشت، چرا که بر اساس قاعده حاکم بر «بازی بزدل» که الگوی حاکم بر مذاکرات هسته‌ای را در طول این ۱۴ سال تشکیل می‌دهد، عدم اقدام متناظر باعث برداشت ضعف و ترس و در نتیجه مقدمه فشار و تحریم‌های بیشتر می‌شود به گونه‌ای که می‌توان مطمئن بود با فاصله‌ای کوتاه آمریکا براساس مکانیزم بازگشت‌پذیری قطعنامه سازمان ملل را لغو می‌کند و تحریم‌های سازمان ملل را بر می‌گرداند و در نتیجه حتی همان منافع راکه باعث می‌شود جمهوری اسلامی در برجام باقی بماند (یعنی ادامه لغو تحریم‌های اروپایی) نیز از دست خواهیم داد البته به همراه هزینه بسیار سنگین از دست دادن عزت نفس ملی. بر اساس آن چه ذکر شد جمع بین دو طرف ماجرا این است که تهران حتماً باید اقدام متناظر هسته‌ای انجام دهد.

بخش اول:

راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در شرایط پیش رو

(خلاصه سخنرانی دکتر جوانی ویدئو کنفرانس ۹۷/۰۲/۲۶)

مقدمه

الحمد لله رب العالمین، ماه رمضان را تبریک و تهنیت عرض می کنم، امیدوارم از فیوضات این ماه به نحوه مطلوب بهره مند شویم. مسئولین و هادیان سیاسی در اجرای برنامه های هدایت و بصیرت افزایی سیاسی باید چند نکته اساسی را مد نظر داشته باشند.

نکته اول: در امر هدایت گری و آگاهی بخشی سیاسی نیات ما در اثر بخشی و تاثیرگذاری در جامعه مخاطب نقش بسزایی دارد و ماه رمضان بهترین بستر برای تحقق خلوص نیت ها است.

نکته دوم: همان گونه که مقام معظم رهبری در حکم نماینده محترم ولی فقیه در سپاه بصیرت دینی را مورد تاکید قرار داده اند بنابراین بصیرت سیاسی بخشی از بصیرت دینی است. پس جهت گیری ها و تحلیل های سیاسی باید مبتنی و مستند به روایات و آیات قرآن باشد. بدون شک تحلیل سیاسی مبتنی بر قرآن بیشترین تاثیر را بر مخاطب خواهد داشت.

نکته سوم: هدایت و بصیرت سیاسی باید مبتنی بر دکرترین رفتار سیاسی باشد. لازم است هادیان و مسئولین سیاسی تحلیل های خود را بر اسای دکرترین رفتار سیاسی ضابطه و قاعده مند نمایند. یکی از نکات برجسته دکرترین رفتار سیاسی رعایت اصل اخلاق است که باید از سوی هادیان سیاسی مورد توجه جدی قرار گیرد. لذا از ارائه تحلیل های احساسی و هیجانی به شدت پرهیز نمایند.

به عبارتی دکرترین سیاسی، حدود و ثغور سیاسی را به عنوان یک پیش فرض بیان می کند.

امروز موضوعات متعددی سیاسی مثل مسائل منطقه ای، لبنان، یمن، بمب باران تیغور در سوریه توسط رژیم صهیونیستی، واکنش جبهه مقاومت در موشک باران بلندی های جولان را باید به عنوان یک بسته ببینیم تا بتوانیم تحلیلی درست و عمیق متناسب با چهل سالگی انقلاب اسلامی ارائه نماییم.

ما امروز در یک موقعیت حساس و چند لایه که نیازمند هوشمندی بالایی دارد، قرار داریم وقتی به این شرایط پیچیده نگاه می کنیم شرایط نه تنها خطر ناک نیست بلکه فوق العاده خوب است، اما هوشمندی لازم را می طلبد.

امروز یک جریان در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی سعی دارند خواسته های دشمنان که همان نا امید کردن مردم از انقلاب را برای افکار عمومی القاء نمایند. بر خلاف خواست دشمنان امروز انقلاب اسلامی در بهترین شرایط قرار دارد و همین امر باعث نگرانی بیشتر دشمنان انقلاب اسلامی شده است.

شرایط امروز که خیلی حساس و تعیین کننده است ما با رعایت **سه اصل** به یاری خداوند متعال **پیروز قطعی** میدان خواهیم بود.

۱- شناخت درست از واقعیت های صحنه، دشمنان سعی می کنند واقعیت ها را سرپوش بگذارند و وارونه جلو دهند. ما وظیفه داریم واقعیت های صحنه را درست تشخیص بدهیم و برای مخاطبین (پایوران، بسیجیان، خانواده، جامعه و ...) هم درست انتقال بدهیم.

۲- پس از شناخت واقعیت های صحنه تکلیف خود را مشخص نماییم.

۳- با عزم و اراده پولادین در اجرای تکلیف قدم برداریم.

چون حرکت فی سبیل الله است اگر گام ها استوار برداشته شود. براساس آنچه را که خداوند در قرآن نوید داده است «ان تنصروالله» به یقین «ینصرکم» هم اتفاق خواهد افتاد.

باید راهبرد حضرت امام (ره) و را که آمریکا هیچ غلطی نمی کند به مخاطبین خود انتقال بدهیم. به عبارتی مخاطبین و افکار عمومی جامعه هم باید به این باور برسند که آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند.

در شرایط چند لایه و پیچیده امروز پرسش های متعددی زیر مطرح است.

-چرا آمریکا وارد برجام شد؟

-چرا آمریکا از برجام خارج شد؟

-آیا با اروپایی ها می توان به توافق رسید؟

-در صورت ماندن اروپایی ها در برجام آیا تضمین های مورد نظر ایران را خواهند داد؟

در پاسخ به سوال اول : که چرا آمریکا وارد برجام شد نیاز به یک تحلیل درست دارد.

اگر تحلیل درستی از علل ورود آمریکا به برجام نداشته باشیم نمی توانیم پاسخی برای خروج آمریکا از برجام داشته باشیم. هدف کلی آمریکا و غرب از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، شکست و نابودی انقلاب بود. برای فروپاشی انقلاب اسلامی در دهه اول راهبرد مبارزه در قالب های، براندازی، ترور، و تحمیل جنگ هشت ساله رژیم بعث عراقی و... نمود یافت. در دهه دوم و سوم راهبرد دشمنان، انقلاب مهار انقلاب اسلامی بود. بعد از شکست توطئه های آنان، در دهه چهارم دشمنان انقلاب اسلامی به این نتیجه رسیدن که راهبردهای تقابلی برای براندازی و مهار جمهوری اسلامی ایران ناکار آمد است.

لذا راهبرد تعامل و ارتباط را در دستور کار قرار دادند. این گونه تصور می کردند که در سایه تعامل بهتر می توانند جمهوری اسلامی ایران در تنگنا قرار دهند.

از سال ۱۳۸۲ دستگاه دیپلماسی ضمن مذاکره با اعضای ۵+۱ در خصوص پرونده هسته ای اصل را بر اعتمادسازی قرار داده بود.

اما در سال ۱۳۹۲ شرایط به گونه ای رقم خورد که مذاکره مستقیم با آمریکا را دولت دنبال کرد. بعد از امضای برجام، وقتی خبرنگاری از باراک اوباما درخصوص برجام سوال کرد. اوباما گفت ایران زمانی می تواند از برجام بهره برداری کند که به روح برجام پایبند باشد. تعبیر او از روح برجام، تغییر رفتار ایران متناسب با خواست غرب و آمریکا بوده است. آمریکا به این دلیل از برجام خارج شد که بتواند علاوه بر حفظ تحریم های قبلی تحریم های جدید را نیز آزادانه علیه ایران تشدید نماید. به عبارتی از طرفی با حفظ برجام از سوی اروپایی از یک طرف و تشدید فشارها از سوی آمریکا ایران تن به مذاکره و برجام های منطقه ای، موشکی و... بدهد.

از جمله سوالاتی که مطرح می شود این است که آیا اروپا می تواند مستقل از آمریکا در برجام بماند؟

پاسخ این سوال منفی است. اگرچه دشمنی اروپا و آمریکا با اصل انقلاب، توسعه قدرت راهبردی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا و... فرقی میان مطالبات و خواسته های اروپا و آمریکا وجود ندارد. بلکه تنها تفاوت آنها در ادبیات و شیوه های گوناگون مطالبات است.

اما راهبرد جمهوری اسلامی ایران در شرایط امروز چیست؟

برای شرایط جاری کشور دو نگاه وجود دارد.

نگاه اول: تضمین گرا

جریانی که این نگاه را دارند بر این باورند که بدون آمریکا می توان برجام را حفظ کرد. اما لازمه آن دریافت ضمانت از کشور های اروپایی است. راهبرد حضرت آقا این است اگر قرار است جمهوری اسلامی ایران در برجام بماند باتوجه به هزینه هایی که تاکنون ایران برای برجام پرداخت کرده دولت باید ضمانت های جدی از اروپایی ها بگیرد. مثلا اگر شرکت هایی که طرف قرار داد با جمهوری اسلامی ایران هستند در صورت تحریم از سوی آمریکا، اروپاییان نیز شرکت های آمریکایی را متقابلا تحریم نمایند. همچنین پرداخت خسارت و ضرر به شرکت های اروپایی تحریم شده از سوی آمریکا، البته این یک جنگ اقتصادی میان اروپا و آمریکا ست، بعید است اروپاییان به چنین اقدامی دست بزنند.

نگاه دوم: توافق گرا

این نگاه می تواند جهت گیری هایی داشته باشد که جای تامل دارد. مثلا ممکن است در صورت توافق با اروپا و طولانی شدن فرآیند مذاکره آمریکا هم تحریم ها را شدید نماید در این صورت اروپا نیز خواسته ها و مطالبات جدیدی را مطرح خواهد نمود. بنابراین دولت باید با ضرب الاجل و عدم فرصت سوزی تکلیف خود را با اروپا نیز مشخص کند پس در تبیین مساله خروج آمریکا از برجام و عبور از این مرحله باید چند اقدام اساسی انجام داد.

از یک سو نکته ای که مقام معظم رهبری در ابتدای سال در حرم رضوی مطرح کردند تشریح نماییم. اگرچه در داخل کشور مشکلاتی داریم بخصوص در حوزه اقتصادی مثل گرانی تورم، اشتغال و... که باعث نوعی رکود شده است. باید این باور را به وجود آوریم که کشور ما دارای ظرفیت هایی درونی است که در صدد بهره مندی از این ظرفیت ها، بدون کمک غرب می توان این مشکلات را از سر راه کشور برداشت.

از سوی دیگر امروز دشمنان قدرت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران را نشانه گرفته اند باید مردم را نسبت به این واقعت آگاه کنیم. مردم عامل اصلی اقتدار هستند. باید آنها را روشن کنیم. امروز علت اصلی خروج آمریکا قدرت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران است. آمریکا به این دلیل از برجام خارج شد تا بتواند فشار بیشتری بر ایران وارد نمایند. (اینکه در داخل کشور برخی افراد به گونه ای صحبت می کنند که در سایه مذاکرات توانستند برخی مشکلات را حل کنند پس با تداوم مذاکرات هم می توان سایر مشکلات را نیز مرتفع نمایند این سخن غلطی است)

مهم ترین عامل اقتدار انسجام ملی سه رکن دارد.

۱- مردم ۲- رهبری ۳- روحیه و رفتار انقلابی

دشمنان امروز هر یک از مولفه های اقتدار کشور به یک نوع نشانه گرفته است؛ مردم را به یک شکل، در قالب تلگرام با راهبرد بی اعتماد سازی و سیاه نمایی بیش از چهل میلیون نفر را نشانه گرفته است

در حوزه رهبری، برای تخریب و ایجاد گسست میان رهبری و مردم، رهبری حتی انقلاب را عامل اصلی تولید مشکلات در کشور معرفی نمایند. و تمام تلاش ها این است که روحیه و رفتار انقلابی را خدشه دار نماید

در پایان ضرورت دارد به چند نکته هم اشاره کنم؛ نفوذ منطقه ای جمهوری اسلامی ایران یکی از مسایلی است که از سوی هادیان سیاسی باید خوب تشریح گردد. عده ای به دنبال این هستند که نفوذ منطقه ای جمهوری اسلامی ایران را برای مردم به عنوان ماجراجویی القاء کنند. اما مردم باید بدانند که امنیت پایدار و پیشرفت کشور در گرو حضور ایران در منطقه است. همچنین مردم باید بدانند که موشک های ما برای صلح و امنیت است. این اشتباه راهبردی است که افکار عمومی تصور کنند برای مقابله با دشمن به سمت تولید موشک می رویم.

سپاه پاسداران حافظ امانت های مردم است. موشک ها سرمایه ها و ابزارهای اقتدار دفاعی ملت است. باید اوضاع به گونه ای پیش رود که مردم به این باور برسند که سپاه به دنبال ماجراجویی نیست.

راهکار خنثی سازی - مشکلات اقتصادی هم اقتصاد مقاومتی است. امروز آرامش باید در مردم ایجاد شود. تمام تلاش دشمن بر جنگ روانی متمرکز است، توانمندی آنها هم این حوزه است. تلاش می کنند نگرانی بسین مردم ایجاد کنند. ما باید سعی کنیم فضای آرامش را در بازار کالا، ارز و... آرامش برقرار و حفظ شود.